



## طراحی الگوی مطلوب مدیریت سهام عدالت به منظور افزایش رفاه اجتماعی با رویکرد تطبیقی

سینا سلطانی ملایعقوبی<sup>۱</sup>، محمدرضا رستمی<sup>۲\*</sup> و اکبر عالم تبریز<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۸ و تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۳۱

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی مطلوب مدیریت سهام عدالت به منظور افزایش رفاه اجتماعی با رویکرد تطبیقی انجام شد. روش تحقیق آمیخته اکتشافی (کیفی-کمی) بود. جامعه آماری در بخش کیفی اساتید دانشگاه در رشته مدیریت دولتی، مدیران وزارت امور اقتصادی و دارایی، مدیران ارشد سازمان خصوصی سازی و شرکتهای سرمایه گذاری استانی سهام عدالت در سطح کشور و در بخش کمی، مدیران عالی و میانی، معاونین و کارشناسان ارشد سازمان خصوصی سازی، سازمان بورس و اوراق بهادار، وزارت امور اقتصادی و دارایی و شرکتهای سرمایه گذاری استانی سهام عدالت در سال ۱۴۰۲ بود. در بخش کیفی با روش نمونه گیری هدفمند، از ۲۵ خبره به وسیله چک لیست نیمه ساختاریافته و ساختاریافته نظرسنجی صورت گرفته و در بخش کمی، پرسش نامه محقق ساخته از ۱۰۸ گویه ای با روش نمونه گیری طبقه ای نسبی در بین ۱۶۹ نفر توزیع شد. برای تعیین روایی در مرحله کیفی، محتوای چک لیست مورد تأیید خبرگان قرار گرفته و در مرحله کمی، روایی پرسش نامه ها به سه روش صوری، محتوایی و سازه تأیید شد. پایایی ابزار بخش کمی و کیفی نیز تأیید شد. داده های کیفی با تکنیک دلفی در نرم افزار SPSS و داده های کمی با تکنیک مدل سازی معادلات ساختاری و آزمون های تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی، فریدمن، اسپیرمن و T تک نمونه ای در نرم افزار Smart PLS تحلیل گردید. نتایج بخش کیفی حاکی از آن بود که الگوی نهایی دارای ۶ بعد، ۲۵ مؤلفه و ۱۰۸ شاخص به شرح «مدیریت اجتماعی»، «مدیریت فرهنگی»، «مدیریت اقتصادی»، «مدیریت استراتژیک»، «مدیریت آموزشی» و «مدیریت سیاسی» است. نتایج بخش کمی نشان داد که تمامی ابعاد و مؤلفه های الگوی پژوهش مورد تأیید واقع شدند.

**واژه های کلیدی:** خصوصی سازی، رفاه اجتماعی، سهام عدالت.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت تطبیقی و توسعه، گروه مدیریت دولتی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

Sina.soltani.m@gmail.com

۲. استادیار گروه مدیریت، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. (نویسنده مسئول): Uni.rostami@gmail.com

۳. استاد گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. A-tabriz@sbu.ac.ir

## مقدمه

رفاه اجتماعی هم از جنبه فردی و جمعی و هم از جنبه ذهنی و عینی آن، خصلتی پویا و متحول دارد و متناسب با تغییرات جوامع و رشد انتظارات و نیازها دگرگون می‌شود (ذکایی و مروتی، ۱۳۹۸). مفهوم رفاه از آن دسته مفاهیم سهل و ممتنع علوم اجتماعی است که به‌ندرت درباره تعریف آن توافق وجود دارد. رفاه را می‌توان توصیف وضعیت زندگی افراد دانست. رفاه معمولاً به دو بخش عینی و ذهنی تقسیم می‌شود. در گذشته بیشتر بر بُعد عینی رفاه تأکید شده است؛ ولی از آنجاکه ابعاد عینی مثل داشتن درآمد و غیره، به‌تنهایی تأمین‌کننده رفاه افراد نیست، توجه به رفاه ذهنی از قبیل امنیت، رضایت و احساس آرامش به علت تأثیر مستقیم آن بر کیفیت زندگی انسان، اهمیت ویژه‌ای یافته است (برهانی و هادی‌زاده مقدم، ۱۳۹۵). مک نالتی و فینچام<sup>۱</sup> (۲۰۱۲)، معتقدند رفاه یک عامل مهم رضایت از زمان گذشته و حال و در نتیجه خوش‌بینی به آینده و احساس شادی در زمان حاضر است. رفاه تحت عنوان مجموعه‌ای از ابعاد مختلف و به‌هم‌پیوسته (مانند ویژگی‌های جسمی، روانی و اجتماعی) تعریف شده است (امیرنژاد، ۱۳۹۸). فیتزپاتریک<sup>۲</sup> در تعریف خود از رفاه اجتماعی شاخص‌ها و چشم‌اندازهایی چون شادکامی، تأمین، ترجیحات، نیازها، استحقاق و مقایسه نسبی را برای آن تعریف می‌کند. رفاه اجتماعی مجموعه اقدامات و تدابیری است که برای کاستن، تخفیف یا از بین بردن مسائل و مشکلات ناشی از رشد اقتصادی و رشدهای ناهماهنگ در زمینه‌های تربیتی، بهداشتی، درمانی و پاره‌ای امور و پدیده‌های اجتماعی مانند اقتصاد، عدم توسعه متعادل اقتصادی-اجتماعی در سطح جامعه به کار می‌رود (ذکایی و مروتی، ۱۳۹۸). رفاه در ابتدا بیشتر با عناوین رفاه روان‌شناختی و رفاه ذهنی مطرح شده بود. ریان و دسی<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) مفهوم رفاه روان‌شناختی را گذران زندگی به شیوه‌ای سرشار از شادی و عمیقاً خشنودکننده بیان کرده‌اند. این مفهوم بیان می‌دارد که رفاه روان‌شناختی یک حالت پیامدی و نهایی نیست، بلکه فرایندی است که بر خوب زیستن و به فعل درآوردن تمامی توانایی‌های انسان تمرکز دارد (عیسی‌خانی و برازنده، ۱۳۹۵).

<sup>۱</sup>McNulty & Fincham

<sup>۲</sup>Fitzpatrick

<sup>۳</sup>Ryan & Deci

اقتصاد سیاسی، علمی اجتماعی است که به بررسی تعامل پویای بین نیروهای بازار و دولت می‌پردازد و چگونگی تأثیرات تنش و تضاد بین این دو را بر جامعه بررسی می‌کند. نفوذ قدرت‌های سیاسی بر عملکرد شرکت‌ها مؤثر است و مدیران شرکت‌هایی که در کانون توجه سیاسی قرار دارند، این انگیزه را پیدا می‌کنند تا از روش‌های حسابداری اقتباس کنند که از طریق آن بتوانند سود را مدیریت کنند. بر اساس طرح سهام عدالت، دولت موظف است سهام شرکت‌های سودده دولتی را بین مردم توزیع کند؛ و ممکن است این شرکت‌ها با استفاده از نفوذ سیاسی، سود خود را مدیریت کنند (ایمنی و همکاران، ۱۴۰۱). در ایران طرح توزیع سهام عدالت بدون شک یکی از بزرگ‌ترین برنامه‌های اقتصادی-اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی است. این طرح با هدف تسریع در خصوصی‌سازی، تغییر مالکیت و مدیریت بخش عمده‌ای از شرکت‌های دولتی را مدنظر دارد. منظور از سهام عدالت، فروش تسهیلاتی بخشی از سهام شرکت‌های دولتی معین، به اقشار پایین درآمدی جامعه به منظور تعمیم نسبی عدالت اقتصادی است. واگذاری گسترده سهام شرکت‌های دولتی به عموم مردم ایران اولین بار در اواخر دولت هشتم به استناد ماده ۹ قانون برنامه چهارم توسعه که با تفیذ جزء ۱ و ماده ۱۰ قانون برنامه سوم توسعه، دولت را ملزم می‌نمود و واگذاری سهام را به گونه‌ای انجام دهد که حتی المقدور به توسعه مشارکت عمومی منجر شود، به تصویب هیئت‌وزیران رسید لیکن در دولت یادشده فرصت اجرا نیافت (بشخور، ۱۴۰۱). پرداخت یارانه یکی از سیاست‌های اقتصادی برای برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی در جامعه و همچنین حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در بسیاری از کشورهاست (سقزی و باغبانیان، ۱۴۰۱). تحقیقات صورت گرفته در مورد تجربه چندساله خصوصی‌سازی در کشور حاکی از آن است که شتاب بخشیدن به توسعه اقتصادی، بهبود رقابت‌پذیری، تجدید ساختار و مدرنیزه کردن شرکت‌ها که از اهداف اصلی خصوصی‌سازی می‌باشند، در اغلب موارد به نتایج موردنظر نائل نشده است، به طوری که گاهی مواقع برخی شرکت‌های واگذار شده در فاصله نه‌چندانی بعد از واگذاری با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده‌اند (امیراسکندری و رزمجویی، ۱۳۹۸). در جوامع مختلف حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و بهبود توزیع درآمد همواره یکی از دغدغه‌های دولت‌ها، اقتصاددانان و جامعه شناسان بوده است. توزیع درآمد نه‌تنها از موضوع‌های اقتصادی است بلکه از شاخص‌های مهم اجتماعی و سیاسی نیز تلقی می‌گردد. در ج. ا. ایران نیز یکی از اهداف دولت‌ها همواره دستیابی به توزیع برابرتر درآمد و تحقق عدالت اجتماعی بوده است. یکی از اقدامات مهم در این راستا که در دولت نهم با شعار عدالت و مهرورزی به منصف ظهور رسید، اجرای طرح سهام عدالت بود. توزیع درآمد و

حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و تأمین درآمدهای پایدار برای آنان، گسترش خصوصی‌سازی و کوچک شدن حجم دولت، افزایش ثروت شهروندان از آثار اجرای طرح سهام عدالت می‌باشد. لیکن یکی از آثار حائز اهمیت طرح، گسترش فرهنگ سهامداری و ارتقا آگاهی‌های عمومی در جهت سرمایه‌گذاری در بازارهای مولد به‌جای سفته‌بازی در بازارهای موازی می‌باشد (عمرانی، ۱۳۹۲). از میان کشورهای که تجربه عرضه عمومی سهام را داشته‌اند، آن‌هایی که با توجه به شرایط و پیش‌شرط‌های ضروری برای اجرای طرح این سیاست را اجرا کرده‌اند غالباً موفق بوده و کشورهایی که بدون توجه به این الزامات، اقدام به عرضه عمومی سهام کرده‌اند، در عمل با شکست مواجه شده‌اند. شبیه‌ترین الگوی تجربه‌شده جهانی سهام عدالت، خصوصی‌سازی کوپنی است که از اوایل دهه ۹۰ میلادی در برخی از کشورهای کمونیستی سابق به اجرا درآمد. خصوصی‌سازی کوپنی در جهان تلاشی برای خصوصی‌سازی گسترده بود که خود از تغییر سیستم اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار تبعیت می‌کرد. ایده کلی بر این اساس بود که کلیه شرکت‌های دولتی به شرکت‌های سهامی عام تبدیل شوند و بر این اساس به هر یک از شهروندان برحسب فرمولی خاص، تعدادی سهام تعلق می‌گرفت (امیراسکندری و رزمجویی، ۱۳۹۸). خصوصی‌سازی در راستای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در خردادماه ۱۳۸۴ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردید و با ابلاغ این سیاست‌ها که از آن به انقلاب اقتصادی یاد می‌شد، قرار بود ریل‌گذاری جدیدی در اقتصاد کشور ایجاد گردد. حال با گذشت حدود ۱۰ سال از ابلاغ این سیاست‌ها که بندهای الف و ج این سیاست‌ها به صراحت به توسعه بخش خصوصی و غیردولتی در اقتصاد ایران اشاره دارد، لازم است آسیب‌شناسی از میزان تحقق اهداف این بندها و فرایند خصوصی‌سازی طی سال‌های اخیر به عمل آید (کریم و همکاران، ۱۳۹۴). طرح توزیع سهام عدالت با هدف توانمندسازی مردم کم‌برخوردار و توزیع ثروت در قالب شرکت‌های تعاونی، خیل عظیمی از جمعیت کشور را تحت پوشش خود قرار داده است (فلاح تفتی و کاویانی، ۱۳۹۲).

در بیان اهمیت و ضرورت انجام تحقیق از دیدگاه محقق باید اظهار نمود که خصوصی‌سازی یکی از اهرم‌های اقتصادی با هدف افزایش کارایی بنگاه‌ها بوده و با ایجاد رونق اقتصادی موجب بالا رفتن رفاه اجتماعی می‌گردد و یکی از شیوه‌های اجرای آن در دنیا طرح‌های مشابه سهام عدالت بوده که با جلوگیری از ایجاد شکاف درآمدی میان اقشار مختلف، منتج به توزیع عادلانه ثروت می‌گردد. با توجه به اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی در کشور طرح واگذاری سهام موسوم به سهام عدالت با هدف توزیع ثروت و بهره‌مند کردن اقشار مختلف خصوصاً اقشار کم‌درآمد

در سال ۱۳۸۵ به اجرا درآمد. منظور از سهام عدالت فروش تسهیلاتی بخشی از سهام شرکت‌های دولتی معین به اقشار پایین درآمدی جامعه به منظور افزایش کیفیت زندگی آنان و تعمیم نسبی عدالت اقتصادی است. طرح توزیع سهام عدالت از جمله معدود طرح‌هایی است که بیش از نیمی از جمعیت کل کشور با آن در ارتباط هستند. مضمولین این طرح شامل ۶ دهک پایین درآمدی جامعه می‌شود. با پایان یافتن مهلت ۱۰ ساله تقسیط سهام عدالت و مشکلات پیش روی در آزادسازی سهام عدالت مضمولین، بازنگری در طرح توزیع سهام عدالت، به منظور دستیابی به هدف اصلی طرح: تأمین عدالت و رفاه اجتماعی و بهبود درآمد خانوارها و تشویق اقشار مردم به پس انداز و سرمایه‌گذاری را ضروری می‌نماید. بی‌گمان واکاوی اقدامات انجام‌شده، بررسی موشکافانه چالش‌های پیش رو و تبیین راه‌کارهای عملی برون‌رفت از وضعیت موجود، بهترین رویکرد در جهت ساماندهی و به ثمر نشاندن این طرح کلان ملی خواهد بود. ابتدا باید تأکید گردد که این طرح تا چه حد مهم است و باید پس از بررسی کامل جوانب نسبت به عملیاتی نمودن آن اقدام گردد. طرح اعطای سهام عدالت تغییر مالکیت و مدیریت شرکت‌های دولتی را مدنظر دارد و با توجه به اینکه شرکت‌های دولتی حدود ۴۵ درصد تولید ناخالص داخلی کشور را در دست دارند، هرگونه نوسان، کاهش یا افزایش دارایی این شرکت‌ها می‌تواند کل اقتصاد ایران را شدیداً تحت تأثیر قرار دهد، از طرف دیگر نتایج این طرح لایه‌های مختلف اجتماعی کشور را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این راستا تحلیل و ارزیابی طرح و شناسایی نقاط ضعف و چالش‌های احتمالی پیش روی آن (آسیب‌شناسی طرح) می‌باشد تا بتوان در مراحل مختلف تصمیم‌گیری و اجرای طرح نسبت به برطرف نمودن آنها اقدام نمود. بدین منظور و به جهت شناخت و کمی‌سازی الگویی کارا و کاربردی، تحقیق حاضر با هدف طراحی الگوی مطلوب مدیریت سهام عدالت به منظور افزایش رفاه اجتماعی با رویکرد تطبیقی انجام شد.

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

**سهام عدالت:** طرح توزیع سهام عدالت در سال ۱۳۸۵ و با هدف توزیع عادلانه ثروت و درآمد از طریق عرضه و واگذاری بخشی از سهام بنگاه‌های مضمول و واگذاری به اقشار پایین درآمدی جامعه از اتباع مقیم داخل کشور (طی ۱۹ مرحله) انجام گردید. این طرح با حدود ۴۹ میلیون مخاطب، یکی از پروژه‌های عظیم کشور در حوزه اقتصاد

کلان و ساماندهی آن حرکتی بزرگ و اقدامی مهم در مجموعه سیاست‌های دولت به شمار می‌رود. فصل ششم شامل مواد ۳۴ الی ۳۸ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی چارچوب اجرایی این طرح را به‌طور کامل تبیین نمود (حاجی‌وند، ۱۳۹۷).

**رفاه اجتماعی!** رفاه اجتماعی عبارت است از مجموعه سازمان‌یافته‌ای از قوانین، مقررات، برنامه‌ها و سیاست‌هایی که در قالب مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و معنوی و تأمین سعادت انسان ارائه می‌شود تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد. شاخص‌هایی که در ایران برای رفاه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود، عبارت‌اند از: آموزش و پرورش، بهداشت، درمان، تغذیه، مسکن، اشتغال جمعیت و نیروی انسانی، هزینه و درآمد تأمین اجتماعی (امیرنژاد، ۱۳۹۸).

**مدل‌یابی!** مدل‌یابی معادلات ساختاری یک تکنیک تحلیلی چندمتغیری بسیار کلی و نیرومند از خانواده رگرسیون چندمتغیری و به بیان دقیق‌تر بسط مدل کلی است که به پژوهشگر امکان می‌دهد مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را به گونه هم‌زمان مورد آزمون قرار دهد (محمودی، ۱۳۹۷).

در ادامه به تعدادی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش پرداخته می‌شود.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده در پژوهش‌های شهابی نژاد و همکاران (۱۴۰۱) تحت عنوان «آثار متغیرهای کلان اقتصادی بر توسعه بازار سرمایه ایران (با تأکید بر آزادسازی سهام عدالت)»، بیشترین ارتباط و بهترین رابطه بین نرخ تورم و شاخص قیمتی بازار سهام و ارتباط بین این شاخص قیمتی با وقفه پیشین خود تأیید و ارتباط مؤثری بین تغییرات تولید ناخالص داخلی و تغییرات حجم نقدینگی و تغییرات نرخ ارز با متغیر وابسته نشان داده نشد. در پژوهشی که توسط ابراهیمی (۱۴۰۱) تحت عنوان «بررسی چالش‌های تعاونی‌های سهام عدالت (مطالعه موردی استان تهران)» انجام گرفت، نتایج نشان داد مولد وضعیت موجود است که عبارت‌اند از: فقدان آگاهی از ماهیت تعاونی، فقدان وفای در خصوص وجود بخش تعاونی در میان سیاست‌گذاران، فقدان آشنایی با قواعد و قوانین تعاونی در سطح اعضا و مدیران در خصوص اهمیت موضوع مشارکت حداکثری در اداره تعاونی، فقدان استقلال و ماهیت وابسته تعاونی‌های دستوری، فقدان نظارت اثربخش بر رویه‌ها و کنشگران مؤثر بخش تعاون، فقدان هماهنگی میان نهادهای

<sup>۱</sup>Social Welfare

<sup>۲</sup>Modeling

درگیر که توصیه می‌شود ضمن بازنگری در روند موجود و استفاده نکردن از تعاونی‌ها در راستای اجرای دیگر سیاست‌ها، از رانت‌پروری در این حوزه جلوگیری شود و بخش تعاون با اندیشه‌ورزی صاحب‌نظران در راستای گفتمان تعاونی حقیقی در مسیر درست قرار گیرد. در پژوهش ایمنی و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی ارتباط بین سهام عدالت و کیفیت سود با تأکید بر دیدگاه اقتصاد سیاسی در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که وجود سهام عدالت در ساختار مالکیت بر کیفیت سود تأثیر منفی معناداری دارد. چراکه در کشورهای درحال توسعه، نظام اقتصادی، به‌طور غالب مبتنی بر روابط و نفوذ حاکمیت است و به این دلیل توسط دولت و نهادهای وابسته به آن کنترل و حمایت می‌شود؛ لذا می‌توان بیان داشت نفوذ حاکمیت و مدیریت سیاسی در شرکت‌ها می‌تواند کیفیت سود آن‌ها را کاهش دهد و نتایج پژوهش کاربرد نظریه اقتصاد سیاسی در خصوص اتخاذ سیاست‌های کلان اقتصادی (سهام عدالت) و تأثیرش بر کیفیت سود را تأیید می‌نماید. سقزی و باغبانیان (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان «بررسی تأثیر سهام عدالت و یارانه‌ها بر معیشت مردم (جامعه آماری: شهرستان سنندج)» نشان دادند که سهام عدالت و یارانه‌ها بر معیشت مردم در شهرستان سنندج و همچنین ابعاد یارانه‌ها (قدرت خرید خانوار، انسجام خانوادگی، صرفه‌جویی در مصرف انرژی و کاهش احساس نابرابری اجتماعی) بر معیشت مردم تأثیرگذار می‌باشد. در پژوهشی که توسط بشخور (۱۴۰۱) تحت عنوان «ارزیابی سهام عدالت از منظر تحقق برخی از اهداف» انجام گرفت، مواردی از جمله سازوکار ناکارا و ایجادکننده فساد، افزایش هزینه‌های تحمیلی به دولت به دلیل ساختار پیچیده و ناکارای اجرای طرح، عدم شناسایی مشمولان مطابق قانون، حمایت از اقشار فقیر، توزیع ناعادلانه منابع عمومی از نگاه بین نسلی، عدم تغییر محسوس در درآمد دائمی مشمولان و... از نشانه‌های عملکرد نامناسب این سیاست و عدم دستیابی به اهداف تعیین شده است. در پژوهش امیراسکندری و رزمجویی (۱۳۹۸) تحت عنوان «مطالعات تطبیقی خصوصی‌سازی و تدوین الگوی راهبردی مناسب برای ایران»، الگوی نهایی خصوصی‌سازی در قالب یک مدل مفهومی، ارائه و بعد از آن میزان انطباق برنامه‌های خصوصی‌سازی در کشور با آن الگو، مورد مقایسه قرار گرفت و کاستی‌های وضع موجود تبیین گردید. ابعاد الگوی راهبردی خصوصی‌سازی در مدل نهایی، هشت بُعد بود. نتایج تحقیق همچنین نشان داد این ابعاد که لازمه موفق بودن اجرای برنامه‌های خصوصی‌سازی هستند، در کشور ما مورد توجه نمی‌باشند. در پژوهشی که توسط رحیمی و خلیق (۱۳۹۶) و تحت عنوان مطالعه تطبیقی خصوصی‌سازی در ایران با کشورهای انگلستان، آلمان و فرانسه، انجام گرفت، قوانین حاکم

بر بخش‌های خصوصی شده و روش‌های خاص استفاده‌شده در هر کشور، نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی آن‌طور که ابتدا به نظر می‌رسد، پدیده‌ای روشن و واضح نیست. در اروپا خصوصی‌سازی همواره مشکلات واقعی اقتصاد را پنهان کرده است و همواره دولت‌ها از کنترل خود بر شرکت‌های خصوصی شده دست برنداشته‌اند. پژوهش بزرگ و حسین زاده (۱۳۹۶) با عنوان «نقد و بررسی سیاست‌گذاری دولتی در ایران بر اساس الگوی تحلیلی اسنلن (مطالعه موردی طرح توزیع سهام عدالت)» نشان داد طرح توزیع سهام عدالت به دلایلی چون عدم توجه به الزامات عقلانیت عملی و اقتصادی و توجه بیش‌ازاندازه به الزامات عقلانیت سیاسی متفاوت از آنچه وعده داده‌شده، عملیاتی شده است. راهبردهای پیشنهادی پژوهش نیز شامل حوزه‌های قانونی، سیاسی، اقتصادی و اجرایی بود.

### سؤالات پژوهش

سؤال اول: ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی مطلوب مدیریت سهام عدالت به منظور افزایش رفاه اجتماعی، کدام‌اند؟

سؤال دوم: میزان اهمیت ابعاد و مؤلفه‌های الگوی مطلوب مدیریت سهام عدالت به منظور افزایش رفاه اجتماعی، چگونه است؟

سؤال سوم: الگوی مطلوب مدیریت سهام عدالت به منظور افزایش رفاه اجتماعی با رویکرد تطبیقی، چگونه است؟

### روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش پژوهش به صورت آمیخته اکتشافی (کیفی-کمی) بود. روش‌های به‌کاررفته به ترتیب شامل ۳ بخش بود: ۱. بخش کتابخانه‌ای (مطالعه تطبیقی): بررسی تطبیقی با استفاده از پیشینه، اطلاعات و سابقه در مدیریت سهام عدالت، مدیریت سهام دولتی و خصوصی‌سازی ده کشور منتخب- الگوی اولیه پژوهش؛ ۲. بخش کیفی (دلفی): تعیین «الگوی مدیریت سهام عدالت به منظور افزایش رفاه اجتماعی»، با نظرسنجی از خبرگان به وسیله تکنیک دلفی (Delphi)- الگوی نهایی پژوهش؛ و ۳. کمی (مدل‌سازی معادلات ساختاری): آزمودن الگوی نهایی پژوهش در جامعه هدف، با نظرسنجی از نمونه‌های تحقیق با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM)- آزمون الگوی نهایی پژوهش.



**بخش تطبیقی:** جامعه آماری تحقیق در بخش بررسی متون شامل مطالعه تطبیقی با استفاده از پیشینه، اطلاعات و سابقه در مدیریت سهام عدالت، مدیریت سهام دولتی و خصوصی سازی ده کشور منتخب به شرح: روسیه، جمهوری چک، لهستان، رومانی، انگلستان، فرانسه، آلمان (آلمان شرقی)، شیلی، مکزیک و پاکستان، بوده است. در بخش بررسی متون از تکنیک نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده، به طوری که محقق طی سندکاوی (مدارک و اسناد)، ده کشور به شرح ذکر شده بالا را برای تعیین داده‌های مرتبط با مدیریت سهام عدالت، مدیریت سهام دولتی و خصوصی سازی، انتخاب نمود. در این مرحله از پژوهش، ابزار گردآوری داده‌ها، اطلاعات مندرج در پیشینه، اطلاعات و سابقه در مدیریت سهام عدالت، مدیریت سهام دولتی و خصوصی سازی ده کشور منتخب بود. برای بررسی تطبیقی، مراحل زیر سیر گردید:

**گام اول:** انتخاب ده کشور مدیریت سهام عدالت، مدیریت سهام دولتی و خصوصی سازی.

**گام دوم:** معرفی اجمالی و جدول ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت سهام عدالت به منظور افزایش رفاه اجتماعی.

**مرحله سوم:** ارائه جدول تجمیعی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی پیشنهادی.

**مرحله چهارم:** ارائه الگوی پیشنهادی بر اساس ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های یافته شده.

**بخش کیفی:** جامعه آماری تحقیق در بخش کیفی شامل: اساتید دانشگاه در رشته مدیریت دولتی، مدیران وزارت امور اقتصادی و دارایی، مدیران ارشد سازمان خصوصی سازی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی سهام عدالت در سطح کشور بود.

خصوصیات موردنظر برای خبره بودن افراد، شامل موارد: داشتن تحصیلات دانشگاهی و یا آثار علمی مرتبط با مبحث «خصوصی سازی»، داشتن تحصیلات دانشگاهی و یا آثار علمی مرتبط با مبحث «بازار سرمایه و سهام»، داشتن تحصیلات دانشگاهی و یا آثار علمی مرتبط با مبحث «شرکت‌های سرمایه‌گذاری و ETF» و داشتن سابقه اجرایی و یا سابقه مدیریتی در خصوصی سازی و طرح توزیع سهام عدالت، تعیین گردید. برای نمونه‌گیری بخش کیفی، طیفی از آگاهان کلیدی در زمینه «مدیریت سهام عدالت به منظور افزایش رفاه اجتماعی» انتخاب و با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند ۲۵ نفر انتخاب شدند. مشخصات خبرگان نظرسنجی انتخاب شده در جدول ۱ آمده است.

## جدول ۱- اطلاعات خبرگان (ماخذ: یافته‌های تحقیق)

ردیف	محل اشتغال افراد نظرسنجی شونده	سمت	سابقه خدمت
۱	سازمان خصوصی سازی	مدیرکل دفتر سهام عدالت	۲۹
۲		معاون مدیرکل دفتر سهام عدالت	۲۸
۳		مدیرکل دفتر فناوری اطلاعات	۱۷
۴		رئیس اداره روابط عمومی	۲۹
۵		معاونت واگذاری سهام و بنگاه‌ها	۱۵
۶		مدیرکل دفتر بازاریابی و امور واگذاری بنگاه‌ها	۱۵
۷		رئیس اداره دفتر سهام عدالت	۱۸
۸		مدیرکل دفتر توسعه سرمایه انسانی و تحول اداری	۲۶
۹		معاون برنامه‌ریزی، توسعه منابع و پشتیبانی	۲۷
۱۰		معاون شرکت‌ها و قیمت‌گذاری بنگاه‌ها	۱۵
۱۱		مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و تحلیل واگذاری‌ها	۱۶
۱۲		معاون دفتر برنامه‌ریزی و تحلیل واگذاری‌ها	۱۲
۱۳		مدیرکل دفتر نظارت و پیگیری مطالبات	۱۷
۱۴		مدیرکل امور مالی	۲۵
۱۵		معاون دفتر بازاریابی و امور واگذاری بنگاه‌ها	۱۹
۱۶	اساتید دانشگاه	عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی	۳۲
۱۷		دانشیار دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی	۲۱
۱۸		عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد ساری	۱۱
۱۹		عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد شاهرود	۲۰
۲۰		مدیر گروه اسبق دانشگاه آزاد ساری	۳۰
۲۱		عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و تحقیقات	۲۵
۲۲		عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی	۲۴
۲۳	وزارت امور اقتصادی و دارایی	مشاور امور اقتصادی	۱۸
۲۴		معاون سیاست‌گذاری اقتصادی	۲۲
۲۵		مشاور در امور سهام عدالت و بورس و اوراق بهادار	۲۳

در مرحله کیفی، از چکلیست نیمه ساختاریافته در راند اول تکنیک دلفی و ساختاریافته در راندهای دوم، سوم و چهارم دلفی، به عنوان ابزار جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. برای روایی داده‌ها در بخش کیفی-تکنیک دلفی، محتوای چکلیست خبره‌سنجی از نظر قابل فهم بودن، رسا بودن و گویا بودن مورد تأیید چند تن از خبرگان دانشگاهی و سازمانی قرار گرفت تا ابزارها از اعتبار لازم برخوردار باشد. به منظور بررسی پایایی چکلیست خبره‌سنجی تکنیک دلفی، از آزمون مجدد استفاده شده است که به همین منظور، چکلیست بین ۱۰ نفر از افراد جامعه آماری در دو نوبت متفاوت با بازه زمانی دو هفته پخش شده و ضریب همبستگی بین نتایج حاصل از نوبت اول با نوبت دوم، مقدار ۰/۸۸ محاسبه شده و پایایی مورد تأیید قرار گرفت. در بخش کیفی از روش دلفی استفاده شد. روش دلفی، فرآیندی ساختاریافته برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی دانش موجود در نزد گروهی از کارشناسان و خبرگان است که از طریق منظرسنجی از افراد و بازخورد کنترل‌شده پاسخ‌ها و نظرات دریافتی، صورت می‌گیرد (صدیقیان و همکاران، ۱۴۰۲). مراحل انجام دلفی در این تحقیق، بدین صورت بود:

الف) تعریف و تشخیص مسئله: ابعاد و مؤلفه‌های نهایی الگوی مطلوب مدیریت سهام عدالت به منظور افزایش رفاه اجتماعی، کدام‌اند؟

ب) انتخاب هیئت پانل دلفی: انتخاب خبرگان پنل تخصص با مدنظر قرار دادن این مهم که خبره کسی است که با موضوع آشنا باشد.

ج) آماده‌سازی چکلیست دور اول: تعیین ابعاد و مؤلفه‌های کلی که طبق نتایج مرحله قبل به دست آمده و مشورت با برخی از خبرگان، به طوری که چکلیست مناسب بوده و محدودیتی در نظرسنجی خبره ایجاد نکند.

د) تحلیل چکلیست دور اول که شامل ارزیابی آنان از ابعاد و مؤلفه‌های اولیه و انجام پیشنهادهای مطرح‌شده خبرگان در قسمت باز چکلیست.

ه) تدوین چکلیست دور دوم دلفی که در این مرحله مؤلفه‌های پیشنهادی خبرگان در دور اول، به چکلیست اضافه می‌شود.

و) توزیع چکلیست دور دوم در بین خبرگان (صدیقیان و همکاران، ۱۴۰۲).

ز) تحلیل چکلیست‌های دور دوم.

ح) تکرار گام ششم و هفتم در دوره‌های سوم و چهارم.

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در این بخش از آمار توصیفی و نرم‌افزار SPSS استفاده گردید.

**بخش کمی:** جامعه مورد بررسی در مرحله کمی به شرح: مدیران عالی و میانی، معاونین و کارشناسان ارشد سازمان خصوصی سازی، سازمان بورس و اوراق بهادار، وزارت امور اقتصادی و دارایی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی سهام عدالت به تعداد تقریبی ۳۰۰ نفر بود. روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر با توجه به جامعه آماری موردنظر، به صورت نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی بود، به طوری که چهار ارگان انتخابی به شرح ۱. سازمان خصوصی سازی، ۲. سازمان بورس و اوراق بهادار، ۳. وزارت امور اقتصادی و دارایی و ۴. شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی سهام عدالت به چهار طبقه فرضی تقسیم شده و برای انتخاب اعضاء جامعه آماری، مراکز زیرمجموعه واقع شده در هر طبقه، به عنوان طبقه‌های کوچک‌تر، انتخاب شدند و پخش پرسش‌نامه به صورت تصادفی در هر طبقه و به نسبت جمعیت آن طبقه انجام شد. تعیین تعداد نمونه‌های تحقیق هم با استفاده از با فرمول کوکران به تعداد ۱۶۹ نفر، تعیین شد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه محقق ساخته ۱۰۸ گویه‌ای بوده که از مدل مفهومی منتج از مطالعه کیفی تحقیق به دست آمده و بر این اساس، متغیرهای موجود در مدل مفهومی حاصله، از حالت کیفی به کمی تبدیل شده تا به سؤال‌های تحقیق پاسخ داده شود. در مرحله کمی، در مرحله کمی، روایی پرسش‌نامه‌ها به سه روش صوری، محتوایی (محدوده CVR و CVI برای گویه‌ها بین ۰/۶ تا ۱/۰ و ۰/۹۰ تا ۱/۰) و سازه (محدوده روایی همگرا بین ۰/۵۸۲ تا ۰/۷۰۳ و روایی واگرا بیشتر از همبستگی سازه با سایر سازه‌ها) تأیید شد. پایایی ابزار بخش کمی به سه روش ضریب بارهای عاملی گویه‌ها (بیشتر از ۰/۴)، آلفای کرونباخ مؤلفه‌ها (بین ۰/۷۶۰ تا ۰/۸۴۶) و پایایی ترکیبی (بین ۰/۷۹۸ تا ۰/۸۹۳) تأیید شد. جهت آزمون مدل پژوهش، از تحلیل داده‌ها به وسیله مدل‌یابی معادلات ساختاری، رویکرد تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی و نرم‌افزارهای SPSS و Smart-PLS استفاده شد و سطح خطای موردقبول نیز ۰/۰۵ بود.

## یافته‌های پژوهش

### یافته‌های گام اول: بررسی تطبیقی

**مرحله اول:** ده کشور به شرح: روسیه، جمهوری چک، لهستان، رومانی، انگلستان، فرانسه، آلمان (آلمان شرقی)، شیلی، مکزیک و پاکستان، انتخاب شدند.

**مرحله دوم:** معرفی اجمالی و جدول ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت سهام عدالت به منظور افزایش رفاه اجتماعی.

**مرحله سوم:** ارائه جدول تجمیعی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی پیشنهادی بوده که طبق نتایج، الگوی پیشنهادی، طبق بررسی تطبیقی شامل دارای ۶ بعد و ۱۹ مؤلفه به شرح: «مدیریت اجتماعی» (عدالت‌محوری، مسئولیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی)، «مدیریت فرهنگی» (فرهنگ مشارکتی، اعتماد عمومی، فرهنگ شایسته‌سالاری)، «مدیریت اقتصادی» (رفاه عمومی، مدیریت سرمایه‌گذاری، مدیریت بازار سهام، حمایت مالی، فضای رقابتی)، «مدیریت استراتژیک» (مدیریت منابع، کاهش مالکیت دولتی، مدیریت عملکرد)، «مدیریت آموزشی» (بهینه‌کاوی، تحقیق و توسعه) و «مدیریت سیاسی» (قوانین و مقررات، سیاست داخلی، توسعه سیاسی) بوده است.

#### جدول ۲- دسته‌بندی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی پیشنهادی بر اساس یافته‌های گام اول

ردیف	بعد	تعداد مؤلفه	مؤلفه
۱	مدیریت اجتماعی	۳	عدالت‌محوری، مسئولیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی
۲	مدیریت فرهنگی	۳	فرهنگ مشارکتی، اعتماد عمومی، فرهنگ شایسته‌سالاری
۳	مدیریت اقتصادی	۵	رفاه عمومی، مدیریت سرمایه‌گذاری، مدیریت بازار سهام، حمایت مالی، فضای رقابتی
۴	مدیریت استراتژیک	۳	مدیریت منابع، کاهش مالکیت دولتی، مدیریت عملکرد
۵	مدیریت آموزشی	۲	بهینه‌کاوی، تحقیق و توسعه
۶	مدیریت سیاسی	۳	قوانین و مقررات، سیاست داخلی، توسعه سیاسی
کل	۶ بعد	۱۹ مؤلفه	-

ماخذ: یافته‌های تحقیق

### یافته‌های گام دوم: بخش کیفی

در مرحله کیفی پژوهش، با استفاده از تکنیک دلفی و انجام آن در چهار دور، مؤلفه‌های شناسایی شده در هر یک از این چهار متغیر، در بوت‌آزمون قرار گرفت که نتایج به تفکیک هر متغیر، در ادامه آمده است.

**نتایج دلفی برای بعد «مدیریت اجتماعی»:** مؤلفه‌های «مدیریت اجتماعی»، بر اساس نتایج بخش بررسی تطبیقی، به شرح: ۱. عدالت‌محوری، ۲. مسئولیت اجتماعی و ۳. سرمایه اجتماعی، تعیین گردید. در راند اول، بیشترین اهمیت مربوط به «سرمایه اجتماعی» با میانگین  $4/14$  و انحراف از معیار  $0/83$  بوده و کمترین اهمیت مربوط به «مسئولیت اجتماعی» با میانگین  $3/94$  و انحراف از معیار  $0/72$  بوده است. از بین جواب‌های بررسی شده مؤلفه «حمایت اجتماعی» به مؤلفه‌های تبیین‌کننده «مدیریت اجتماعی» اضافه شد. در راند دوم، بیشترین اهمیت مربوط به «عدالت‌محوری» با میانگین  $4/01$  و انحراف از معیار  $0/53$  بوده و کمترین اهمیت مربوط به «حمایت اجتماعی» با میانگین  $3/84$  و انحراف از معیار  $0/82$  بوده است. در راند سوم، بیشترین اهمیت مربوط به «مسئولیت اجتماعی» با میانگین  $4/07$  و انحراف از معیار  $0/96$  بوده و کمترین اهمیت مربوط به «حمایت اجتماعی» با میانگین  $3/86$  و انحراف از معیار  $0/85$  بوده است. در راند چهارم، بیشترین اهمیت مربوط به «مسئولیت اجتماعی» با میانگین  $4/18$  و انحراف از معیار  $0/77$  بوده و کمترین اهمیت مربوط به «حمایت اجتماعی» با میانگین  $3/93$  و انحراف از معیار  $0/74$  بوده است. مؤلفه‌های نهایی تبیین‌کننده «مدیریت اجتماعی» پس از انجام چهار دور تکنیک دلفی، به شرح: ۱. عدالت‌محوری، ۲. مسئولیت اجتماعی، ۳. سرمایه اجتماعی و ۴. حمایت اجتماعی، تعیین گردید.

**نتایج دلفی برای بعد «مدیریت فرهنگی»:** مؤلفه‌های «مدیریت فرهنگی»، بر اساس نتایج بخش بررسی تطبیقی، به شرح: ۱. فرهنگ مشارکتی، ۲. اعتماد عمومی و ۳. فرهنگ شایسته‌سالاری، تعیین گردید. در راند اول، بیشترین اهمیت مربوط به «اعتماد عمومی» با میانگین  $3/83$  و انحراف از معیار  $0/73$  بوده و کمترین اهمیت مربوط به «فرهنگ مشارکتی» با میانگین  $3/71$  و انحراف از معیار  $0/57$  بوده است. از بین جواب‌های بررسی شده مؤلفه «آگاهی بخشی عمومی» به مؤلفه‌های تبیین‌کننده «مدیریت فرهنگی» اضافه شد. در راند دوم، بیشترین اهمیت مربوط به «فرهنگ شایسته‌سالاری» با میانگین  $3/62$  و انحراف از معیار  $0/91$  بوده و کمترین اهمیت مربوط به «آگاهی بخشی عمومی» با میانگین  $3/54$  و انحراف از معیار  $0/87$  بوده است. در راند سوم، بیشترین اهمیت مربوط به «فرهنگ مشارکتی» با

میانگین ۳/۷۳ و انحراف از معیار ۰/۷۹ بوده و کمترین اهمیت مربوط به «آگاهی بخشی عمومی» با میانگین ۳/۶۲ و انحراف از معیار ۰/۶۴ بوده است. در راند چهارم، بیشترین اهمیت مربوط به «اعتماد عمومی» با میانگین ۳/۹۲ و انحراف از معیار ۰/۷۳ بوده و کمترین اهمیت مربوط به «آگاهی بخشی عمومی» با میانگین ۳/۸۱ و انحراف از معیار ۰/۷۶ بوده است. مؤلفه‌های نهایی تبیین‌کننده «مدیریت فرهنگی» پس از انجام چهار دور تکنیک دلفی، به شرح ۱. فرهنگ مشارکتی، ۲. اعتماد عمومی، ۳. فرهنگ شایسته‌سالاری و ۴. آگاهی بخشی عمومی، تعیین گردید.

**نتایج دلفی برای بعد «مدیریت اقتصادی»:** مؤلفه‌های «مدیریت اقتصادی»، بر اساس نتایج بخش بررسی تطبیقی، به شرح: ۱. رفاه عمومی، ۲. مدیریت سرمایه‌گذاری، ۳. مدیریت بازار سهام، ۴. حمایت مالی و ۵. فضای رقابتی، تعیین گردید. در راند اول، بیشترین اهمیت مربوط به «مدیریت سرمایه‌گذاری» با میانگین ۳/۹۸ و انحراف از معیار ۰/۸۲ بوده و کمترین اهمیت مربوط به «حمایت مالی» با میانگین ۳/۷۸ و انحراف از معیار ۰/۷۹ بوده است. از بین جواب‌های بررسی شده مؤلفه «امنیت مالی» به مؤلفه‌های تبیین‌کننده «مدیریت اقتصادی» اضافه شد. در راند دوم، بیشترین اهمیت مربوط به «مدیریت بازار سهام» با میانگین ۴/۰۲ و انحراف از معیار ۰/۷۳ بوده و کمترین اهمیت مربوط به «رفاه عمومی» با میانگین ۳/۷۷ و انحراف از معیار ۰/۵۶ بوده است. در راند سوم، بیشترین اهمیت مربوط به «مدیریت بازار سهام» با میانگین ۳/۶۱ و انحراف از معیار ۰/۶۸ بوده و کمترین اهمیت مربوط به «امنیت مالی» با میانگین ۳/۲۲ و انحراف از معیار ۰/۷۲ بوده است. در راند چهارم، بیشترین اهمیت مربوط به «مدیریت سرمایه‌گذاری» با میانگین ۳/۹۸ و انحراف از معیار ۰/۶۳ بوده و کمترین اهمیت مربوط به «آگاهی بخشی عمومی» با میانگین ۳/۷۱ و انحراف از معیار ۰/۹۵ بوده است. مؤلفه‌های نهایی تبیین‌کننده «مدیریت اقتصادی» پس از انجام چهار دور تکنیک دلفی، به شرح ۱. رفاه عمومی، ۲. مدیریت سرمایه‌گذاری، ۳. مدیریت بازار سهام، ۴. حمایت مالی، ۵. فضای رقابتی و ۶. امنیت مالی، تعیین گردید.

**نتایج دلفی برای بعد «مدیریت استراتژیک»:** مؤلفه‌های «مدیریت استراتژیک»، بر اساس نتایج بخش بررسی تطبیقی، به شرح: ۱. مدیریت منابع، ۲. کاهش مالکیت دولتی و ۳. مدیریت عملکرد، تعیین گردید. در راند اول، بیشترین اهمیت مربوط به «کاهش مالکیت دولتی» با میانگین ۳/۸۸ و انحراف از معیار ۰/۸۱ بوده و کمترین اهمیت مربوط به «مدیریت منابع» با میانگین ۳/۵۱ و انحراف از معیار ۰/۵۵ بوده است. از بین جواب‌های بررسی شده مؤلفه

«شفافیت مالی» به مؤلفه‌های تبیین‌کننده «مدیریت استراتژیک» اضافه شد. در راند دوم، بیشترین اهمیت مربوط به «کاهش مالکیت دولتی» با میانگین ۳/۶۱ و انحراف از معیار ۰/۶۳ بوده و کمترین اهمیت مربوط به «مدیریت منابع» با میانگین ۳/۳۹ و انحراف از معیار ۰/۶۶ بوده است. در راند سوم، بیشترین اهمیت مربوط به «کاهش مالکیت دولتی» با میانگین ۳/۸۴ و انحراف از معیار ۰/۸۷ بوده و کمترین اهمیت مربوط به «مدیریت عملکرد» با میانگین ۳/۵۳ و انحراف از معیار ۰/۹۶ بوده است. در راند چهارم، بیشترین اهمیت مربوط به «کاهش مالکیت دولتی» با میانگین ۴/۰۲ و انحراف از معیار ۰/۷۷ بوده و کمترین اهمیت مربوط به «مدیریت منابع» با میانگین ۳/۸۵ و انحراف از معیار ۰/۹۰ بوده است. مؤلفه‌های نهایی تبیین‌کننده «مدیریت استراتژیک» پس از انجام چهار دور تکنیک دلفی، به شرح ۱. مدیریت منابع، ۲. کاهش مالکیت دولتی، ۳. مدیریت عملکرد و ۴. شفافیت مالی، تعیین گردید.

**نتایج دلفی برای بعد «مدیریت آموزشی»:** مؤلفه‌های «مدیریت آموزشی»، بر اساس نتایج بخش بررسی تطبیقی، به شرح: ۱. بهینه‌کاوی و ۲. تحقیق و توسعه، تعیین گردید. در راند اول، بیشترین اهمیت مربوط به «بهینه‌کاوی» با میانگین ۳/۹۱ و انحراف از معیار ۰/۶۱ بوده و کمترین اهمیت مربوط به «تحقیق و توسعه» با میانگین ۳/۸۷ و انحراف از معیار ۰/۹۸ بوده است. از بین جوآب‌های بررسی شده مؤلفه «آموزش منابع انسانی» به مؤلفه‌های تبیین‌کننده «مدیریت آموزشی» اضافه شد. در راند دوم، بیشترین اهمیت مربوط به «بهینه‌کاوی» با میانگین ۳/۶۷ و انحراف از معیار ۰/۸۸ بوده و کمترین اهمیت مربوط به «آموزش منابع انسانی» با میانگین ۳/۵۳ و انحراف از معیار ۰/۷۲ بوده است. در راند سوم، بیشترین اهمیت مربوط به «بهینه‌کاوی» با میانگین ۴/۱۵ و انحراف از معیار ۰/۵۹ بوده و کمترین اهمیت مربوط به «آموزش منابع انسانی» با میانگین ۳/۸۸ و انحراف از معیار ۰/۹۳ بوده است. در راند چهارم، بیشترین اهمیت مربوط به «تحقیق و توسعه» با میانگین ۴/۱۴ و انحراف از معیار ۰/۷۱ بوده و کمترین اهمیت مربوط به «آموزش منابع انسانی» با میانگین ۳/۷۸ و انحراف از معیار ۰/۶۳ بوده است. مؤلفه‌های نهایی تبیین‌کننده «مدیریت آموزشی» پس از انجام چهار دور تکنیک دلفی، به شرح ۱. بهینه‌کاوی، ۲. تحقیق و توسعه و ۳. آموزش منابع انسانی، تعیین گردید.

**نتایج دلفی برای بعد «مدیریت سیاسی»:** مؤلفه‌های «مدیریت سیاسی»، بر اساس نتایج بخش بررسی تطبیقی، به شرح: ۱. قوانین و مقررات، ۲. سیاست داخلی و ۳. توسعه سیاسی، تعیین گردید. در راند اول، بیشترین اهمیت



مربوط به «سیاست داخلی» با میانگین  $3/86$  و انحراف از معیار  $0/76$  بوده و کمترین اهمیت مربوط به «قوانین و مقررات» با میانگین  $3/63$  و انحراف از معیار  $0/93$  بوده است. از بین جواب‌های بررسی شده مؤلفه «استقلال سیاسی سازمان‌ها» به مؤلفه‌های تبیین‌کننده «مدیریت سیاسی» اضافه شد. در راند دوم، بیشترین اهمیت مربوط به «سیاست داخلی» با میانگین  $3/51$  و انحراف از معیار  $0/74$  بوده و کمترین اهمیت مربوط به «استقلال سیاسی سازمان‌ها» با میانگین  $3/37$  و انحراف از معیار  $0/67$  بوده است. در راند سوم، بیشترین اهمیت مربوط به «سیاست داخلی» با میانگین  $3/85$  و انحراف از معیار  $0/53$  بوده و کمترین اهمیت مربوط به «استقلال سیاسی سازمان‌ها» با میانگین  $3/47$  و انحراف از معیار  $0/55$  بوده است. در راند چهارم، بیشترین اهمیت مربوط به «قوانین و مقررات» با میانگین  $4/05$  و انحراف از معیار  $0/97$  بوده و کمترین اهمیت مربوط به «توسعه سیاسی» با میانگین  $3/78$  و انحراف از معیار  $0/60$  بوده است. مؤلفه‌های نهایی تبیین‌کننده «مدیریت سیاسی» پس از انجام چهار دور تکنیک دلفی، به شرح: ۱. قوانین و مقررات، ۲. سیاست داخلی، ۳. توسعه سیاسی و ۴. استقلال سیاسی سازمان‌ها، تعیین گردید. در جدول ۳ نتایج مربوط به راند چهارم دلفی برای مؤلفه‌های تبیین‌کننده الگوی پژوهش، از دیدگاه خبرگان، آمده است.

### جدول ۳- توصیف آماری نظر پاسخ‌دهندگان درباره مؤلفه‌های تبیین‌کننده الگوی پژوهش دور چهارم

#### دلفی

مؤلفه‌ها	تعداد پاسخ‌ها	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف از معیار	ترتیب اهمیت
مدیریت اجتماعی						
عدالت محوری	۲۵	۱/۰۰	۵/۰۰	۴/۱۳	۰/۶۵	۲
مسئولیت اجتماعی	۲۵	۲/۰۰	۵/۰۰	۴/۱۸	۰/۷۷	۱
سرمايه اجتماعی	۲۵	۲/۰۰	۵/۰۰	۳/۹۹	۰/۶۹	۳
حمایت اجتماعی	۲۵	۲/۰۰	۵/۰۰	۳/۹۳	۰/۷۴	۴
مدیریت فرهنگی						
فرهنگ مشارکتی	۲۵	۲/۰۰	۵/۰۰	۳/۸۳	۰/۹۰	۳
اعتماد عمومی	۲۵	۲/۰۰	۵/۰۰	۳/۹۲	۰/۷۳	۱
فرهنگ شایسته‌سالاری	۲۵	۱/۰۰	۵/۰۰	۳/۸۹	۰/۶۷	۲

۴	۰/۷۶	۳/۸۱	۵/۰۰	۲/۰۰	۲۵	آگاهی بخشی عمومی
مدیریت اقتصادی						
۶	۰/۹۵	۳/۷۱	۵/۰۰	۱/۰۰	۲۵	رفاه عمومی
۱	۰/۶۳	۳/۹۸	۵/۰۰	۲/۰۰	۲۵	مدیریت سرمایه گذاری
۲	۰/۶۲	۳/۹۵	۵/۰۰	۲/۰۰	۲۵	مدیریت بازار سهام
۴	۰/۵۸	۳/۶۵	۵/۰۰	۱/۰۰	۲۵	حمایت مالی
۳	۰/۵۱	۳/۸۱	۵/۰۰	۱/۰۰	۲۵	فضای رقابتی
۵	۰/۹۲	۳/۷۴	۵/۰۰	۲/۰۰	۲۵	امنیت مالی
مدیریت استراتژیک						
۴	۰/۹۰	۳/۸۵	۵/۰۰	۱/۰۰	۲۵	مدیریت منابع
۱	۰/۷۷	۴/۰۲	۵/۰۰	۲/۰۰	۲۵	کاهش مالکیت دولتی
۳	۰/۶۷	۳/۸۸	۵/۰۰	۱/۰۰	۲۵	مدیریت عملکرد
۲	۰/۷۶	۳/۹۵	۵/۰۰	۱/۰۰	۲۵	شفافیت مالی
مدیریت آموزشی						
۲	۰/۸۷	۳/۸۹	۵/۰۰	۲/۰۰	۲۵	بهینه کاوی
۱	۰/۷۱	۴/۱۴	۵/۰۰	۲/۰۰	۲۵	تحقیق و توسعه
۳	۰/۶۳	۳/۷۸	۵/۰۰	۲/۰۰	۲۵	آموزش منابع انسانی
مدیریت سیاسی						
۱	۰/۹۷	۴/۰۵	۵/۰۰	۲/۰۰	۲۵	قوانین و مقررات
۲	۰/۷۶	۳/۹۵	۵/۰۰	۲/۰۰	۲۵	سیاست داخلی
۴	۰/۶۰	۳/۷۸	۵/۰۰	۱/۰۰	۲۵	توسعه سیاسی
۳	۰/۵۶	۳/۸۷	۵/۰۰	۲/۰۰	۲۵	استقلال سیاسی سازمانها

ماخذ: یافته‌های تحقیق

حال با اتمام مرحله دوم- مرحله کیفی پژوهش، در زیر الگوی اصلاحی (ثانویه) بر اساس نتایج این مرحله از پژوهش، نشان داده شده است.



شکل ۱- الگوی نهایی پژوهش بر اساس نظرات خبرگان - بخش کیفی

### یافته‌های گام سوم: بخش کمی

آمار توصیفی: در بررسی توصیفی آزمودنی‌های تحقیق، تعداد ۱۲۶ نفر مرد (۷۴/۵۶ درصد) و ۴۳ نفر زن (۲۵/۴۴ درصد) و تعداد ۳۶ نفر مجرد (۲۱/۳۰ درصد) و ۱۳۳ نفر متأهل (۷۸/۷۰ درصد) بوده‌اند. در رده‌های سنی آزمودنی‌ها، تعداد ۱۹ نفر ۳۰ سال و کمتر (۱۱/۲۴ درصد)، ۴۱ نفر بین ۳۱ تا ۴۰ سال (۲۴/۲۶ درصد)، ۴۶ نفر ۴۱ تا ۵۰ سال (۲۷/۲۲ درصد) و ۶۳ نفر (۳۷/۲۸ درصد) بیشتر از ۵۰ سال بوده‌اند. در میزان تحصیلات، ۲۲ نفر کارشناسی (۱۳/۰۲ درصد)، ۹۸ نفر کارشناسی ارشد (۵۷/۹۹ درصد) و ۴۹ نفر (۲۲/۹۹ درصد) دارای تحصیلات دکتری بودند. در سابقه خدمت، تعداد ۱۶ نفر ۵ سال و کمتر (۹/۴۷ درصد)، ۲۷ نفر بین ۶ تا ۱۰ سال (۱۵/۹۸ درصد)، ۳۶ نفر بین ۱۱ تا ۱۵ سال (۲۱/۳۰ درصد)، ۴۲ نفر بین ۱۶ تا ۲۰ سال (۲۴/۸۵ درصد) و ۴۸ نفر (۲۸/۴۰ درصد) بیشتر از ۲۰ سال بودند.

**آمار استنباطی:** داده‌های به دست آمده از پخش پرسش‌نامه بین ۱۶۹ تن از نمونه‌های پژوهش با روش تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی، به شرح ذیل تحلیل گردید.

سؤال اول: ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی مطلوب مدیریت سهام عدالت به منظور افزایش رفاه اجتماعی، کدامند؟

برای تشخیص این مسئله که تعداد داده‌های موردنظر (اندازه نمونه‌ها و رابطه بین متغیرها) برای تحلیل عاملی مناسب هستند یا خیر؟ از شاخص آزمون تناسب کایزر-مایر<sup>۱</sup> و آزمون بارتلت<sup>۲</sup> استفاده گردید. آزمون تناسب کایزر-مایر شاخصی از کفایت نمونه‌گیری است که کوچک بودن همبستگی جزئی بین متغیرها را بررسی می‌کند. مقدار **KMO** (کفایت نمونه‌برداری) برای شش بعد ۱- مدیریت اجتماعی، ۲- مدیریت فرهنگی، ۳- مدیریت اقتصادی، ۴- مدیریت استراتژیک، ۵- مدیریت آموزشی و ۶- مدیریت سیاسی، به ترتیب برابر ۰/۸۶۸، ۰/۸۳۹، ۰/۸۹۹، ۰/۸۹۴، ۰/۸۱۵ و ۰/۸۷۵ و سطح معناداری آزمون کرویت بارتلت برابر ۰/۰۰۰۹ به دست آمد. بنابراین، علاوه بر کفایت نمونه‌برداری، اجرای تحلیل عاملی بر پایه ماتریس همبستگی مورد مطالعه نیز قابل توجیه خواهد بود.

طبق نتایج عوامل استخراج شده و درصد واریانس تبیین شده توسط مؤلفه‌های مدیریت اجتماعی، ارزش‌های ویژه ۴ عامل مورد تحقیق؛ بزرگ‌تر از ۱۲ که در مجموع تقریباً ۵۷ درصد از تغییرات کل را به عهده دارند، در میان آن‌ها ارزش ویژه عامل اول برابر با ۱۵/۴۷، ارزش ویژه عامل دوم برابر با ۱۵/۳۶، عامل سوم برابر با ۱۳/۰۳ و عامل چهارم ۱۲/۹۵ بوده است.

برای بعد مدیریت فرهنگی، ارزش‌های ویژه ۴ عامل مورد تحقیق؛ بزرگ‌تر از ۹ که در مجموع تقریباً ۵۸ درصد از تغییرات کل را به عهده دارند، در میان آن‌ها ارزش ویژه عامل اول برابر با ۱۸/۷۹، ارزش ویژه عامل دوم برابر با ۱۶/۴۲، ارزش ویژه عامل سوم ۱۳/۹۱ و عامل چهارم ۹/۵۳ بوده است.

برای بعد مدیریت اقتصادی، ارزش‌های ویژه ۶ عامل مورد تحقیق؛ بزرگ‌تر از ۸ که در مجموع تقریباً ۶۲ درصد از تغییرات کل را به عهده دارند، در میان آن‌ها ارزش ویژه عامل اول برابر با ۱۲/۵۶، ارزش ویژه عامل دوم برابر با ۱۱/۷۹، عامل سوم برابر با ۱۰/۳۶، عامل چهارم ۹/۵۸، عامل پنجم ۹/۴۱ و عامل ششم ۸/۶۷ بوده است.

<sup>۱</sup>KMO (Kaiser-Meyer-Olkin Measure of sampling Adequacy)

<sup>۲</sup>Bartlett's Test of sphericity

برای بعد مدیریت استراتژیک، ارزش‌های ویژه ۴ عامل مورد تحقیق؛ بزرگ‌تر از ۱۳ که در مجموع تقریباً ۵۸ درصد از تغییرات کل را به عهده دارند، در میان آن‌ها ارزش ویژه عامل اول برابر با ۱۶/۲۰، ارزش ویژه عامل دوم برابر با ۱۴/۹۷، عامل سوم برابر با ۱۳/۴۰ و عامل چهارم ۱۳/۲۳ بوده است.

برای بعد مدیریت آموزشی، ارزش‌های ویژه ۳ عامل مورد تحقیق؛ بزرگ‌تر از ۱۶ که در مجموع تقریباً ۵۸ درصد از تغییرات کل را به عهده دارند، در میان آن‌ها ارزش ویژه عامل اول برابر با ۲۱/۵۵، ارزش ویژه عامل دوم برابر با ۲۰/۱۴، عامل سوم ۱۶/۳۰ بوده است.

برای بعد مدیریت سیاسی، ارزش‌های ویژه ۴ عامل مورد تحقیق؛ بزرگ‌تر از ۱۲ که در مجموع تقریباً ۵۶ درصد از تغییرات کل را به عهده دارند، در میان آن‌ها ارزش ویژه عامل اول برابر با ۱۴/۴۶، ارزش ویژه عامل دوم برابر با ۱۴/۴۴، عامل سوم ۱۴/۱۲ و عامل چهارم ۱۲/۸۵ بوده است. برای بررسی الگوی پژوهش از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم استفاده شده که نتایج در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴- ضریب استاندارد و معنی‌داری مؤلفه‌های تبیین‌کننده هر بعد در الگوی پژوهش

نتیجه	p-value	آماره t	ضرایب مسیر	مسیر میان متغیرها
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۸/۳۳۱	۰/۵۷۹	مدیریت اجتماعی --- < حمایت اجتماعی
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۲۷/۵۶۷	۰/۸۲۵	مدیریت اجتماعی --- < سرمایه اجتماعی
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۳۱/۹۸۰	۰/۸۳۲	مدیریت اجتماعی --- < عدالت محوری
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۱۹/۰۰۲	۰/۷۶۴	مدیریت اجتماعی --- < مسئولیت اجتماعی
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۶/۷۷۳	۰/۵۲۹	مدیریت فرهنگی --- < آگاهی بخشی عمومی
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۲۴/۶۳۷	۰/۸۰۱	مدیریت فرهنگی --- < اعتماد عمومی
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۲۰/۴۸۰	۰/۷۹۰	مدیریت فرهنگی --- < فرهنگ شایسته‌سالاری
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۲۸/۵۸۲	۰/۸۲۱	مدیریت فرهنگی --- < فرهنگ مشارکتی
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۲۳/۷۶۹	۰/۷۸۹	مدیریت اقتصادی --- < امنیت مالی
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۲۳/۵۳۴	۰/۷۷۰	مدیریت اقتصادی --- < حمایت مالی
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۳۴/۳۸۱	۰/۸۲۵	مدیریت اقتصادی --- < رفاه عمومی

مدیریت اقتصادی --- فضای رقابتی	۰/۸۳۳	۳۱/۷۴۴	۰/۰۰۰۹	معنی دار است.
مدیریت اقتصادی --- مدیریت بازار سهام	۰/۸۰۰	۲۴/۴۹۶	۰/۰۰۰۹	معنی دار است.
مدیریت اقتصادی --- مدیریت سرمایه‌گذاری	۰/۷۹۶	۲۷/۲۹۸	۰/۰۰۰۹	معنی دار است.
مدیریت استراتژیک --- شفافیت مالی	۰/۷۹۶	۲۳/۹۱۹	۰/۰۰۰۹	معنی دار است.
مدیریت استراتژیک --- مدیریت عملکرد	۰/۸۴۸	۳۷/۵۳۵	۰/۰۰۰۹	معنی دار است.
مدیریت استراتژیک --- مدیریت منابع	۰/۷۳۰	۲۰/۱۵۵	۰/۰۰۰۹	معنی دار است.
مدیریت استراتژیک --- کاهش مالکیت دولتی	۰/۸۰۸	۲۷/۳۵۲	۰/۰۰۰۹	معنی دار است.
مدیریت آموزشی --- آموزش منابع انسانی	۰/۵۶۰	۴/۸۷۲	۰/۰۰۰۹	معنی دار است.
مدیریت آموزشی --- بهینه‌کاو	۰/۷۹۸	۲۳/۳۸۷	۰/۰۰۰۹	معنی دار است.
مدیریت آموزشی --- تحقیق و توسعه	۰/۸۳۷	۲۳/۳۵۱	۰/۰۰۰۹	معنی دار است.
مدیریت سیاسی --- استقلال سیاسی سازمان‌ها	۰/۷۵۹	۲۰/۴۷۴	۰/۰۰۰۹	معنی دار است.
مدیریت سیاسی --- توسعه سیاسی	۰/۷۹۶	۲۳/۸۵۷	۰/۰۰۰۹	معنی دار است.
مدیریت سیاسی --- سیاست داخلی	۰/۷۷۳	۲۲/۵۲۰	۰/۰۰۰۹	معنی دار است.
مدیریت سیاسی --- قوانین و مقررات	۰/۷۹۰	۲۱/۷۲۱	۰/۰۰۰۹	معنی دار است.

ماخذ: یافته‌های تحقیق

از دیدگاه نمونه‌ها، ۲۵ مؤلفه الگوی پژوهش، تبیین‌کننده بعد مربوط به خود هستند.

سؤال دوم: میزان اهمیت ابعاد و مؤلفه‌های الگوی مطلوب مدیریت سهام عدالت به منظور افزایش رفاه اجتماعی، چگونه است؟

اولویت‌بندی عملکردی ابعاد و مؤلفه‌های الگوی پژوهش با استفاده از میانگین رتبه‌های به‌دست‌آمده در آزمون فریدمن انجام گرفت.

## جدول ۵ - اولویت بندی مؤلفه‌های الگوی نهایی

اولویت	میانگین رتبه	مؤلفه‌های مدیریت اجتماعی	اولویت	میانگین رتبه	ابعاد الگوی نهایی
۱	۲/۷۷۸	عدالت محوری	۳	۳/۵۲۷	مدیریت اجتماعی
۴	۲/۳۵۸	مسئولیت اجتماعی	۴	۳/۴۰۲	مدیریت فرهنگی
۳	۲/۳۸۵	سرمایه اجتماعی	۱	۳/۸۹۹	مدیریت اقتصادی
۲	۲/۴۷۹	حمایت اجتماعی	۲	۳/۶۸۶	مدیریت استراتژیک
اولویت	میانگین رتبه	مؤلفه‌های مدیریت فرهنگی	۵	۳/۲۶۳	مدیریت آموزشی
۴	۲/۴۱۷	فرهنگ مشارکتی	۶	۳/۲۲۲	مدیریت سیاسی
۳	۲/۴۹۱	اعتماد عمومی	اولویت	میانگین رتبه	مؤلفه‌های مدیریت استراتژیک
۲	۲/۵۲۱	فرهنگ شایسته سالاری	۳	۲/۳۶۱	مدیریت منابع
۱	۲/۵۷۱	آگاهی بخشی عمومی	۲	۲/۶۲۱	کاهش مالکیت دولتی
اولویت	میانگین رتبه	مؤلفه‌های مدیریت اقتصادی	۱	۲/۶۶۰	شفافیت مالی
۵	۳/۲۲۸	رفاه عمومی	۴	۲/۳۵۸	مدیریت عملکرد
۶	۳/۲۱۳	مدیریت سرمایه گذاری	اولویت	میانگین رتبه	مؤلفه‌های مدیریت آموزشی
۲	۳/۶۴۲	مدیریت بازار سهام	۱	۲/۰۵۹	بهبود کالوی
۱	۳/۷۶۹	حمایت مالی	۲	۲/۰۱۵	تحقیق و توسعه
۴	۳/۵۶۸	فضای رقابتی	۳	۱/۹۲۶	آموزش منابع انسانی
۳	۳/۵۸۰	امنیت مالی	اولویت	میانگین رتبه	مؤلفه‌های مدیریت سیاسی
			۴	۲/۳۶۷	قوانین و مقررات
			۲	۲/۵۰۶	سیاست داخلی
			۳	۲/۴۳۸	توسعه سیاسی
			۱	۲/۶۸۹	استقلال سیاسی سازمانها

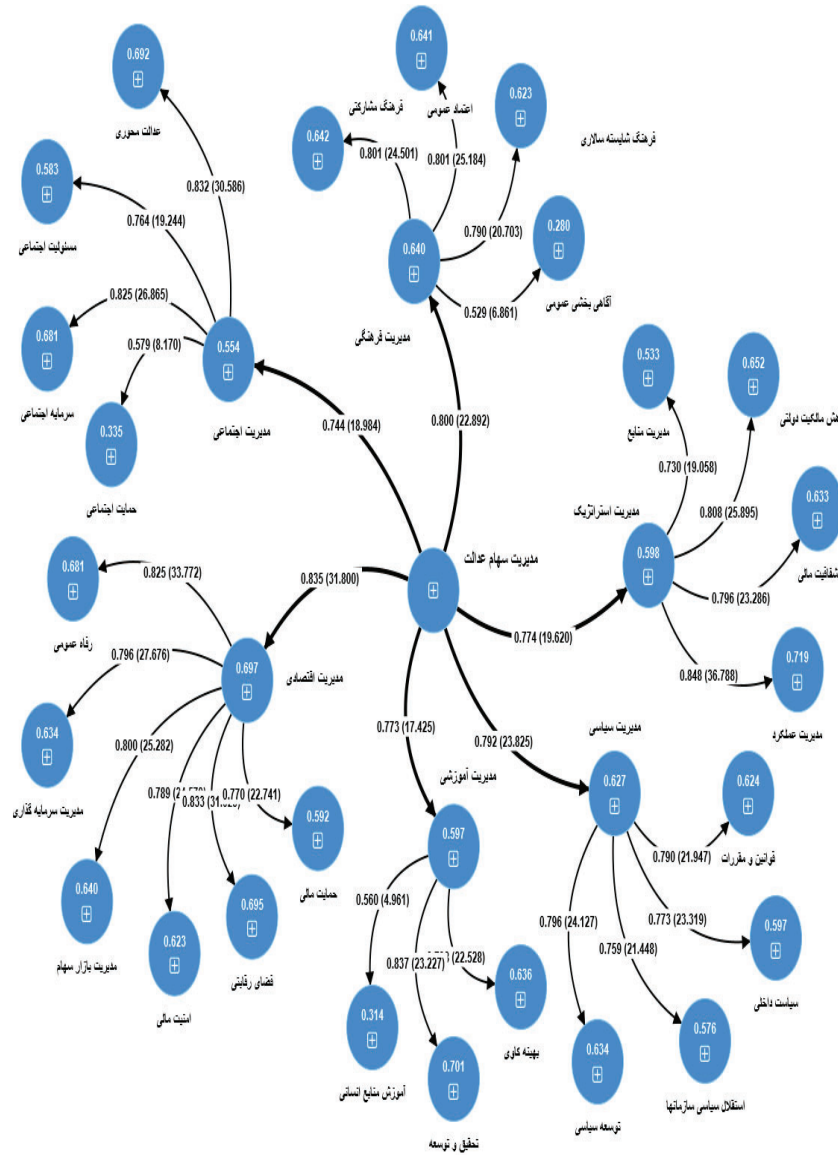
ماخذ: یافته‌های تحقیق

طبق جدول ۵، بیشترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به بعد مدیریت اقتصادی با میانگین رتبه ۳/۸۹۹، دومین اولویت مربوط به مدیریت استراتژیک با میانگین رتبه ۳/۶۸۶، سومین اولویت مربوط به مدیریت اجتماعی با میانگین رتبه ۳/۵۲۷، چهارمین اولویت مربوط به مدیریت فرهنگی ۳/۴۰۲، پنجمین اولویت مربوط به مدیریت آموزشی با

میانگین رتبه ۳/۲۶۳ و اولویت آخر مربوط به مدیریت سیاسی با میانگین رتبه ۳/۲۲۲ بوده است. در مؤلفه‌های مدیریت اجتماعی، بیشترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به عدالت‌محوری با میانگین رتبه ۲/۷۷۸ و کمترین اولویت مربوط به مسئولیت اجتماعی با میانگین رتبه ۲/۳۵۸ بوده است. در اولویت‌بندی مؤلفه‌های مدیریت فرهنگی، بیشترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به آگاهی‌بخشی عمومی با میانگین رتبه ۲/۵۷۱ و کمترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به فرهنگ مشارکتی با میانگین رتبه ۲/۴۱۷ بوده است. در اولویت‌بندی مؤلفه‌های مدیریت اقتصادی، بیشترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به حمایت مالی با میانگین رتبه ۳/۷۶۹ و کمترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به مدیریت سرمایه‌گذاری با میانگین رتبه ۳/۲۱۳ بوده است. در اولویت‌بندی مؤلفه‌های مدیریت استراتژیک، بیشترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به شفافیت مالی با میانگین رتبه ۲/۶۶۰ و کمترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به مدیریت عملکرد با میانگین رتبه ۲/۳۵۸ بوده است. در مؤلفه‌های مدیریت آموزشی، بیشترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به بهینه‌کاوی با میانگین رتبه ۲/۰۵۹ و کمترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به آموزش منابع انسانی با میانگین رتبه ۱/۹۲۶ بوده است. در مؤلفه‌های مدیریت سیاسی، بیشترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به استقلال سیاسی سازمان‌ها با میانگین رتبه ۲/۶۸۹ و کمترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به قوانین و مقررات با میانگین رتبه ۲/۳۶۷ بوده است.

سؤال سوم: الگوی مطلوب مدیریت سهام عدالت به منظور افزایش رفاه اجتماعی با رویکرد تطبیقی، چگونه است؟ شکل ۲، الگوی پژوهش در حالت ضرایب استاندارد و معناداری را نشان می‌دهد.





شکل ۲- الگوی پژوهش در حالت ضرایب استاندارد و معناداری

جدول ۶- تحلیل مسیر الگوی نهایی

نتیجه	P-Value	مقادیر t	ضرایب استاندارد	مسیرها
معنی دار است.	۰/۰۰۰۹	۱۷/۴۲۵	۰/۷۷۳	مدیریت سهام عدالت ---> مدیریت آموزشی
معنی دار است.	۰/۰۰۰۹	۱۸/۹۸۴	۰/۷۴۴	مدیریت سهام عدالت ---> مدیریت اجتماعی
معنی دار است.	۰/۰۰۰۹	۱۹/۶۲۰	۰/۷۷۴	مدیریت سهام عدالت ---> مدیریت استراتژیک
معنی دار است.	۰/۰۰۰۹	۳۱/۸۰۰	۰/۸۳۵	مدیریت سهام عدالت ---> مدیریت اقتصادی
معنی دار است.	۰/۰۰۰۹	۲۳/۸۲۵	۰/۷۹۲	مدیریت سهام عدالت ---> مدیریت سیاسی
معنی دار است.	۰/۰۰۰۹	۲۲/۸۹۲	۰/۸۰۰	مدیریت سهام عدالت ---> مدیریت فرهنگی

ماخذ: یافته‌های تحقیق

طبق جدول ۶، ضریب عاملی تأییدی مدیریت آموزشی در تبیین مدیریت سهام عدالت برابر با ۰/۷۷۳ و آماره t برابر با ۱۷/۴۲۵، مدیریت آموزشی در تبیین مدیریت سهام عدالت تأثیر معنی دار دارد. ضریب عاملی تأییدی مدیریت اجتماعی در تبیین مدیریت سهام عدالت برابر با ۰/۷۴۴ و آماره t برابر با ۱۸/۹۸۴، مدیریت اجتماعی در تبیین مدیریت سهام عدالت تأثیر معنی دار دارد. ضریب عاملی تأییدی مدیریت استراتژیک در تبیین مدیریت سهام عدالت برابر با ۰/۷۷۴ و آماره t برابر با ۱۹/۶۲۰، مدیریت استراتژیک در تبیین مدیریت سهام عدالت تأثیر معنی دار دارد. ضریب عاملی تأییدی مدیریت اقتصادی در تبیین مدیریت سهام عدالت برابر با ۰/۸۳۵ و آماره t برابر با ۳۱/۸۰۰، مدیریت اقتصادی در تبیین مدیریت سهام عدالت تأثیر معنی دار دارد. ضریب عاملی تأییدی مدیریت سیاسی در تبیین مدیریت سهام عدالت برابر با ۰/۷۹۲ و آماره t برابر با ۲۳/۸۲۵، مدیریت سیاسی در تبیین مدیریت سهام عدالت تأثیر معنی دار دارد. ضریب عاملی تأییدی مدیریت فرهنگی در تبیین مدیریت سهام عدالت برابر با ۰/۸۰۰ و آماره t برابر با ۲۲/۸۹۲، مدیریت سیاسی در تبیین مدیریت سهام عدالت تأثیر معنی دار دارد. در مدل‌های تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل مسیر با روش کمترین مربعات جزئی برای بررسی این موضوع از شاخص NFI و SRMR در مقالات و مراجع معتبر آماری ذکر شده که تقریباً همگی بر اساس باقیمانده‌های مدل اندازه‌گیری می‌شوند. شاخص برازندگی الگو اصلی NFI برابر با ۰/۸۰۱ و شاخص SRMR نیز ۰/۱۰۴ است.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

تحقیق حاضر در پی طراحی الگوی مطلوب مدیریت سهام عدالت به منظور افزایش رفاه اجتماعی با رویکرد تطبیقی بوده و با بهره‌گیری از روش‌های کیفی و کمی به سؤالات پژوهش پاسخ داده شد. طبق نتایج نهایی، الگوی نهایی دارای ۶ بعد، ۲۵ مؤلفه و ۱۰۸ شاخص به شرح «مدیریت اجتماعی»: عدالت محوری (ضریب مسیر ۰/۸۳۲، مقادیر T ۳۱/۹۸۰ و مقدار p-value ۰/۰۰۰۹)، مسئولیت اجتماعی (۰/۷۶۴، ۱۹/۰۰۲ و ۰/۰۰۰۹)، سرمایه اجتماعی (۰/۸۲۵، ۲۷/۵۶۷ و ۰/۰۰۰۹)، حمایت اجتماعی (۰/۵۷۹، ۸/۳۳۱ و ۰/۰۰۰۹)، «مدیریت فرهنگی»: فرهنگ مشارکتی (۰/۸۲۱، ۲۸/۵۸۲ و ۰/۰۰۰۹)، اعتماد عمومی (۰/۸۰۱، ۲۴/۶۳۷ و ۰/۰۰۰۹)، فرهنگ شایسته‌سالاری (۰/۷۹۰، ۲۰/۴۸۰ و ۰/۰۰۰۹)، آگاهی‌بخشی عمومی (۰/۵۲۹، ۶/۷۷۳ و ۰/۰۰۰۹)، «مدیریت اقتصادی»: رفاه عمومی (۰/۸۲۵، ۳۴/۳۸۱ و ۰/۰۰۰۹)، مدیریت سرمایه‌گذاری (۰/۷۹۶، ۲۷/۲۹۸ و ۰/۰۰۰۹)، مدیریت بازار سهام (۰/۸، ۲۴/۴۶۷ و ۰/۰۰۰۹)، حمایت مالی (۰/۷۷۰، ۲۳/۵۳۴ و ۰/۰۰۰۹)، فضای رقابتی (۰/۸۳۳، ۳۱/۷۴۴ و ۰/۰۰۰۹)، امنیت مالی (۰/۷۸۹، ۲۳/۷۶۹ و ۰/۰۰۰۹)، «مدیریت استراتژیک»: مدیریت منابع (۰/۷۳۰، ۲۰/۱۵۵ و ۰/۰۰۰۹)، کاهش مالکیت دولتی (۰/۸۰۸، ۲۷/۳۵۲ و ۰/۰۰۰۹)، شفافیت مالی (۰/۷۹۶، ۲۳/۹۱۹ و ۰/۰۰۰۹)، مدیریت عملکرد (۰/۸۴۸، ۳۷/۵۳۵ و ۰/۰۰۰۹)، «مدیریت آموزشی»: بهینه‌کاو (۰/۷۹۸، ۲۳/۳۸۷ و ۰/۰۰۰۹)، تحقیق و توسعه (۰/۸۳۷، ۲۳/۳۵۱ و ۰/۰۰۰۹)، آموزش منابع انسانی (۰/۵۶۰، ۴/۸۷۲ و ۰/۰۰۰۹) و «مدیریت سیاسی»: قوانین و مقررات (۰/۷۹۰، ۲۱/۷۲۱ و ۰/۰۰۰۹)، سیاست داخلی (۰/۷۷۳، ۲۲/۵۲۰ و ۰/۰۰۰۹)، توسعه سیاسی (۰/۷۹۶، ۲۳/۸۵۷ و ۰/۰۰۰۹)، استقلال سیاسی سازمان‌ها (۰/۷۵۹، ۲۰/۴۷۴ و ۰/۰۰۰۹) است.

خصوصی‌سازی یکی از اهرم‌های اقتصادی با هدف افزایش کارایی بنگاه‌ها بوده و با ایجاد رونق اقتصادی موجب بالا رفتن رفاه اجتماعی می‌گردد و یکی از شیوه‌های اجرای آن در دنیا طرح‌های مشابه سهام عدالت بوده که با جلوگیری از ایجاد شکاف درآمدی میان اقشار مختلف، منتج به توزیع عادلانه ثروت می‌شود. با توجه به اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی در کشور طرح واگذاری سهام موسوم به سهام عدالت با هدف توزیع ثروت و بهره‌مند کردن اقشار مختلف خصوصاً اقشار کم‌درآمد در سال ۱۳۸۵ به اجرا درآمد. منظور از سهام عدالت فروش تسهیلاتی بخشی از سهام شرکت‌های دولتی معین به اقشار پایین درآمدی جامعه به منظور افزایش کیفیت زندگی آنان و تعمیم نسبی عدالت اقتصادی است. طرح توزیع سهام عدالت از جمله معهود طرح‌هایی است که بیش از نیمی از جمعیت

کل کشور با آن در ارتباط هستند. مضمولین این طرح شامل ۶ دهک پایین درآمدی جامعه می‌شود. با پایان یافتن مهلت ۱۰ ساله تقسیم سهام عدالت و مشکلات پیش روی در آزادسازی سهام عدالت مضمولین، بازنگری در طرح توزیع سهام عدالت، به منظور دستیابی به هدف اصلی طرح، تأمین عدالت و رفاه اجتماعی و بهبود درآمد خانوارها و تشویق اقشار مردم به پس انداز و سرمایه‌گذاری را ضروری می‌نماید. بی‌گمان واکاوی اقدامات انجام‌شده، بررسی موشکافانه چالش‌های پیش رو و تبیین راه‌کارهای عملی برون‌رفت از وضعیت موجود، بهترین رویکرد در جهت ساماندهی و به ثمر نشاندن این طرح کلان ملی خواهد بود. ابتدا باید تأکید گردد که این طرح تا چه حد مهم است و باید پس از بررسی کامل جوانب نسبت به عملیاتی نمودن آن اقدام گردد. طرح اعطای سهام عدالت تغییر مالکیت و مدیریت شرکت‌های دولتی را مدنظر دارد و با توجه به اینکه شرکت‌های دولتی حدود ۴۵ درصد تولید ناخالص داخلی کشور را در دست دارند، هرگونه نوسان، کاهش یا افزایش دارایی این شرکت‌ها می‌تواند کل اقتصاد ایران را شدیداً تحت تأثیر قرار دهد، از طرف دیگر نتایج این طرح لایه‌های مختلف اجتماعی کشور را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

**بعد «مدیریت اجتماعی»** تبیین‌کننده الگوی مطلوب «مدیریت سهام عدالت به منظور افزایش رفاه اجتماعی» بوده است که با نتایج تحقیقات شهابی نژاد و همکاران (۱۴۰۱)، سقزی و باغبانیان (۱۴۰۱)، ابراهیمی (۱۴۰۱)، بشخور (۱۴۰۱)، ایمنی و همکاران (۱۴۰۱)، کریم و همکاران (۱۳۹۴)، سعیدی و سروش (۱۳۹۳)، کوچکی (۱۳۹۳)، فلاح تفتی (۱۳۹۱) و کیانپور (۱۳۸۹) همخوانی داشته و یک راستا قرار دارد.

**بعد «مدیریت فرهنگی»** تبیین‌کننده الگوی مطلوب «مدیریت سهام عدالت به منظور افزایش رفاه اجتماعی» بوده است که با نتایج تحقیقات شهابی نژاد و همکاران (۱۴۰۱)، سقزی و باغبانیان (۱۴۰۱)، رحیمی و خلیق (۱۳۹۶)، کریم و همکاران (۱۳۹۴)، عمرانی (۱۳۹۲)، احمدوند (۱۳۹۲)، فلاح تفتی (۱۳۹۱) و کیانپور (۱۳۸۹) همخوانی داشته و یک راستا قرار دارد.

**بعد «مدیریت اقتصادی»** تبیین‌کننده الگوی مطلوب «مدیریت سهام عدالت به منظور افزایش رفاه اجتماعی» بوده است که با نتایج تحقیقات ابراهیمی (۱۴۰۱)، حاجی‌وند (۱۴۰۱)، امیراسکندری و رزمجویی (۱۳۹۸)، برزگر و

حسین زاده (۱۳۹۶)، رحیمی و خلیق (۱۳۹۶)، کریم و همکاران (۱۳۹۴)، سعیدی و سروش (۱۳۹۳) و عمرانی (۱۳۹۲) همخوانی داشته و یک راستا قرار دارد.

**بعد «مدیریت استراتژیک»** تبیین‌کننده الگوی مطلوب «مدیریت سهام عدالت به منظور افزایش رفاه اجتماعی» بوده است که با نتایج تحقیقات شهابی نژاد و همکاران (۱۴۰۱)، برزگر و حسین زاده (۱۳۹۶)، سعیدی و سروش (۱۳۹۳)، کوچکی (۱۳۹۳)، عمرانی (۱۳۹۲)، احمدوند (۱۳۹۲)، فلاح تفتی (۱۳۹۱) و کیانپور (۱۳۸۹)، همخوانی داشته و یک راستا قرار دارد.

**بعد «مدیریت آموزشی»** تبیین‌کننده الگوی مطلوب «مدیریت سهام عدالت به منظور افزایش رفاه اجتماعی» بوده است که با نتایج تحقیقات شهابی نژاد و همکاران (۱۴۰۱)، ایمنی و همکاران (۱۴۰۱)، حاجی وند (۱۴۰۱)، امیراسکندری و رزمجویی (۱۳۹۸)، برزگر و حسین زاده (۱۳۹۶)، رحیمی و خلیق (۱۳۹۶)، عمرانی (۱۳۹۲)، احمدوند (۱۳۹۲)، فلاح تفتی (۱۳۹۱) و کیانپور (۱۳۸۹) همخوانی داشته و یک راستا قرار دارد.

**بعد «مدیریت سیاسی»** تبیین‌کننده الگوی مطلوب «مدیریت سهام عدالت به منظور افزایش رفاه اجتماعی» بوده است که با نتایج تحقیقات شهابی نژاد و همکاران (۱۴۰۱)، سقزی و باغبانیان (۱۴۰۱)، ابراهیمی (۱۴۰۱)، بشخور (۱۴۰۱)، برزگر و حسین زاده (۱۳۹۶)، رحیمی و خلیق (۱۳۹۶)، سعیدی و سروش (۱۳۹۳)، کوچکی (۱۳۹۳)، عمرانی (۱۳۹۲) و احمدوند (۱۳۹۲) همخوانی داشته و یک راستا قرار دارد.

بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده و با استناد به نتایج حاصل از سؤال‌های پژوهش، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

**الف- تقویت بعد «مدیریت اجتماعی»:** جلوگیری از رانت و فساد مالی شرکت‌ها، تقویت بخش خصوصی و نزدیک شدن به چارچوب بازار آزاد برای عموم. ایجاد فرصت‌های شغلی عادلانه، محیط کاری مناسب و رفاه برای کارکنان و خانواده‌ها. اجرای مأموریت اقتصادی و اجتماعی سازمان خصوصی‌سازی و ارگان‌های مرتبط با سهام عدالت در راستای الزامات قانونی. حاکم بودن ارزش‌ها، اهداف و دید سازمانی مشترک در سازمان خصوصی‌سازی و ارگان‌های مرتبط با سهام عدالت. وجود روحیه انتقادپذیری و فرهنگ تیمی در سازمان خصوصی‌سازی و ارگان‌های مرتبط با سهام عدالت.

ب- **تقویت بعد «مدیریت فرهنگی»:** مشارکت عمومی کلیه افراد جامعه در طرح اقتصادی ملی. تقویت فرهنگ سهامداری در رسانه‌های جمعی و اجتماعی. حفظ حقوق سهامداران خرد سهام عدالت. ایجاد اعتماد متقابل بین دولت و مردم. ایجاد اعتماد عمومی به سیستم اقتصاد ملی. استفاده از نیروهای انسانی متعهد در سازمان خصوصی سازی و بازار سهام. شایسته محوری در انتصابات مسئولان خصوصی سازی و بازار بورس. اطلاع‌رسانی لازم به مردم. وجود قوانین نظارتی دقیق و سیستم‌های اطلاع‌رسانی بروز به عموم مردم.

ج- **تقویت بعد «مدیریت اقتصادی»:** جلوگیری از خریدوفروش سهام توسط عده‌ای فاقد صلاحیت. مدیریت صحیح صندوق‌های سرمایه‌گذاری ETF. تشکیل صندوق‌های قابل معامله ETF. ایجاد رونق در بازار سرمایه و عمق بخشیدن به آن

آزادسازی سهام عدالت. افزایش ثروت و ایجاد درآمد دائمی برای خانوارهای نیازمند. توانایی مالی سهامداران جهت مشارکت در افزایش سرمایه. تأمین هزینه‌های اجرای مدیریت مطلوب سهام عدالت. ارتقا کارایی اقتصادی و رشد اقتصادی. افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی. تبدیل نقدینگی افراد جامعه به کالای سرمایه‌ای پربازده. ایجاد درآمد دائمی برای خانوارها. ایجاد فضای امن مالی و استفاده از فرصت‌های مالی در بازار سهام.

د- **تقویت بعد «مدیریت استراتژیک»:** برخورداری ماندگار از منافع دارایی‌ها. وجود زیرساخت‌های مناسب جهت مدیریت صحیح و مطلوب سهام عدالت. مشارکت واقعی مردم در مالکیت و مدیریت فعالیت‌های اقتصادی. عدم استمرار مدیریت دولتی و خرد شدن مالکیت بنگاه‌ها. شفافیت ارزش هر واحد سرمایه‌گذاری قابل معامله. افزایش سهم تعاونی‌ها در اقتصاد کشور. ایجاد بسترهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری موردنیاز. تقویت تشکیلات سازمان بورس و اوراق بهادار. مدیریت حرفه‌ای و ایجاد تفکرات مدیریتی درست

ه- **تقویت بعد «مدیریت آموزشی»:** بررسی و مطالعه تجربه کشورها در توزیع سهام کوپنی. مطالعه در زمینه اهداف کشورها از توزیع سهام کوپنی. شناسایی الگوهای کاملاً موفق در میان تجربه کشورها. بررسی نقاط قوت و ضعف خصوصی سازی کوپنی. آموزش بازار سرمایه و بازار پول و مدیریت آنها. برگزاری همایش و سمینارهای تخصصی. تقویت طرح‌های تحقیق و توسعه در سازمان خصوصی سازی و ارگان‌های مرتبط. به‌کارگیری از مشاوران و نیروهای انسانی متخصص و دارای توانمندی در بازار سرمایه. آموزش برای آشنایی با مقوله سهام و سهامداری.

و- **تقویت بعد «مدیریت سیاسی»:** مسئولیت‌پذیری دولت در تنظیم قواعد و مقررات. اجرای منظم قوانین و مقررات. اعمال نظارت بر مدیریت شرکت‌های سبد سهام عدالت. پایبندی به سازوکارهای بورس و بازار سرمایه. عدم مداخله دولت در تعیین اعضا هیئت‌مدیره شرکت‌ها. تعیین تکلیف شرکت‌های تعاونی شهرستانی سهام عدالت. معرفی مزیت‌های مدیریت مطلوب در سهام عدالت. رفع چالش‌های قانونی و سیاسی. کارآمد کردن دولت در عرصه وظایف حاکمیتی. آزادی و استقلال کاری کارکنان سازمان خصوصی‌سازی و دیگر ارگان‌های مربوطه در مسیر پیشرفت شغلی.

### منابع و مأخذ

- ابراهیمی، مریم. (۱۴۰۱). بررسی چالش‌های تعاونی‌های سهام عدالت (مطالعه موردی استان تهران). *امنیت اقتصادی*، ۱۰(۶)، ۱-۱۶.
- احمدوند، محمدرحیم. (۱۳۹۲). واکاوی عملکرد خصوصی‌سازی در ایران. *سیاست‌های مالی و اقتصادی*، ۱(۲)، ۱۴۳-۱۸۲.
- امیراسکندری، فرداد و رزمجویی، محرم. (۱۳۹۸). مطالعات تطبیقی خصوصی‌سازی و تدوین الگوی راهبردی مناسب برای ایران. *پژوهشنامه بازرگانی*، ۲۳(۹۲)، ۲۰۱-۲۳۰.
- امیرنژاد، قنبر. (۱۳۹۸). بررسی تاثیر رفاه کارکنان آینده بر چابکی سازمانی در دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان خوزستان. *آینده‌پژوهی مدیریت*، ۳۰(۱۱۹)، ۲۳۱-۲۴۳.
- ایمنی، محسن، رهنمای رودپشتی، فریدون، بنی‌مهد، بهمن و نیکومرام، هاشم. (۱۴۰۱). سهام عدالت و کیفیت سود: دیدگاه اقتصاد سیاسی. *حسابداری مدیریت*، ۵(۳) پیاپی ۵۴، ۱-۲۰.
- برزگر، ابراهیم و حسین زاده، صیاد. (۱۳۹۶). نقد و بررسی سیاست‌گذاری دولتی در ایران بر اساس الگوی تحلیلی اسنلن (مطالعه موردی طرح توزیع سهام عدالت). *دولت‌پژوهی*، ۳(۱۲)، ۱۰۷-۱۴۳.
- برهانی، تهمینه و هادیزاده مقدم، اکرم. (۱۳۹۵). مطالعه عوامل اثرگذار بر رفاه ذهنی کارکنان. *چشم‌انداز مدیریت دولتی*، ۷(۳)، ۸۵-۱۰۳.
- بشخور، مرجانه. (۱۴۰۱). ارزیابی سهام عدالت از منظر تحقق برخی از اهداف. *امنیت اقتصادی*، ۱۰(۶)، ۷۰-۵۳.
- حاجی‌وند، مهدی. (۱۳۹۷). *آزادسازی سهام عدالت؛ موانع و راه‌کارها*. تهران: انتشارات مشق شب.

- حاجی وند، مهدی. (۱۴۰۱). *دانشنامه خصوصی سازی و سهام عدالت*. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- ذکایی، محمدسعید و مروتی، نادر. (۱۳۹۸). بررسی میزان انطباق رفاه ذهنی با رفاه عینی و تأثیر عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (با تأکید بر بررسی تأثیر متغیرهای دینداری، وضعیت قومی و احساس آزادی) مطالعه موردی: شهروندان استان‌های کردستان و سمنان. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۱۰ (۳۸)، ۱۲۱-۱۷۷.
- رحیمی، غلامرضا و خلیق، قادر. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی خصوصی سازی در ایران با کشورهای انگلستان، آلمان و فرانسه. *مطالعات مهندسی صنایع و مدیریت تولید*، ۳ (۴)، ۱-۱۹.
- سعیدی، علی و سروش، ابودر. (۱۳۹۳). فرآیند خصوصی سازی از طریق سهام عدالت و ارائه پیشنهادهاى جایگزین. *جستارهای اقتصادی ایران با رویکرد اقتصاد اسلامی*، ۶ (۱۲)، ۹-۳۰.
- سقزی، انور و باغبانیان، مصطفی. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر سهام عدالت و بارانه‌ها بر معیشت مردم (جامعه آماری: شهرستان سنندج)، *دهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین حسابداری، مدیریت و علوم انسانی در هزاره سوم*، تهران.
- شهبازی نژاد، روح اله، زاینده رودی، محسن، زینل زاده، رضا و جلائی، سیدعبدالمجید. (۱۴۰۱). آثار متغیرهای کلان اقتصادی بر توسعه بازار سرمایه ایران (با تأکید بر آزادسازی سهام عدالت). *اقتصاد کاربردی*، ۱۲ (۴۱)، ۱-۱۵.
- صدیقیان، نرگس، حاجی علی اکبری، فیروزه، درودی، هما و لطفی زاده، فرشته. (۱۴۰۲). ارائه الگوی پیامدهای استعاره های دیداری تبلیغات تعاملی بر رفتار مصرف‌کنندگان با استفاده از تکنیک دلفی. *مطالعات رفتار مصرف‌کننده*، ۱۰ (۱)، ۱۸۵-۲۱۳.
- عمرانی، هوشنگ. (۱۳۹۲). تحلیل عملکرد طرح سهام عدالت. *سیاست‌های مالی و اقتصادی*، ۱ (۲)، ۲۴۰-۲۱۷.
- عیسی خانی، احمد و برازنده، لاله. (۱۳۹۵). تأثیر حمایت اجتماعی بر رفاه کارکنان با میانجیگری اعتیاد به کار و تعلق خاطر کاری. *پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین (ع)*، ۸ (۳)، ۸۳-۱۰۸.
- فلاح تفتی، زینب. (۱۳۹۱). حقوق غیرمالی و مالی دارندگان سهام عدالت و راه‌کارهای تضمین آن در بازار سرمایه. *بورس اوراق بهادار*، ۵ (۱۹)، ۱۱۹-۱۵۲.
- فلاح تفتی، زینب و کاویانی، کوروش. (۱۳۹۲). بررسی تأثیرات تصویب قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه بر حقوق مالی دارندگان سهام عدالت. *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۷ (۸۴)، ۱۵۳-۱۷۸.



کریم، محمدحسین، شقاقی شهری، وحید و نصری، لیلا. (۱۳۹۴). ارزیابی فرایند خصوصی سازی در راستای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (ارتقای سهم بخش خصوصی در اقتصاد ایران). *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۳(۱۱)، ۴۹-۶۲.

کوچکی، علی. (۱۳۹۳). چالش‌ها و الزامات خصوصی سازی با تأکید بر طرح توزیع سهام عدالت. *دانش حسابرسی*، ۱۴(۵۵)، ۱۷۱-۱۹۰.

کیان پور، سعید. (۱۳۸۹). بررسی اقتصادی سهام عدالت و مقایسه با تجربیات سایر کشورها. *بررسی‌های بازرگانی*، ۴۵، ۸۴-۷۲.

محمودی، عمر. (۱۳۹۷). عدالت ساختاری سرمایه اجتماعی و یادگیری سازمانی با به کارگیری مدیریت دانش و هوش عاطفی در اداره شهرداری. *مطالعات دانش‌شناسی*، ۴(۱۶)، ۴۷-۸۱.

McNulty, J. K., & Fincham, F. D. (2012). Beyond positive psychology?: Toward a contextual view of psychological processes and wellbeing. *The American Psychologist*, 67(2), 101-110.

Ryan, R., & Deci, E. (2001). On Happiness and Human Potentials: A Review of Research on Hedonic and Eudaimonic Well-Being. *Annual Review of Psychology*, 52, 141-166.

## Designing the optimal model of equity management in order to increase social welfare with a comparative approach

*Sina Soltani Mollayaghobi<sup>۱</sup>, Mohammadreza Rostami<sup>۲</sup> and Akbar Alam Tabriz<sup>۳</sup>*

### *Abstract*

The current research was conducted with the aim of designing the optimal model of equity management in order to increase social welfare with a comparative approach. The research method was mixed exploratory (qualitative-quantitative). The statistical population in the qualitative part of university professors in the field of public administration, managers of the Ministry of Economic Affairs and Finance, senior managers of the privatization organization and provincial equity investment companies at the country level and in the quantitative part, top and middle managers, deputies and senior experts of the privatization organization, the organization Stock Exchange, Ministry of Economic Affairs and Finance and provincial investment companies were equity shares in 2023. In the qualitative section, 25 experts were surveyed using a semi-structured and structured checklist, and in the quantitative section, a 108-item researcher-made questionnaire was distributed among 169 people using a stratified sampling method. To determine the validity in the qualitative phase, the content of the checklist was approved by experts, and in the quantitative phase, the validity of the questionnaires was confirmed by three methods: form, content and structure. The reliability of the quantitative and qualitative part of the instrument was also confirmed. Qualitative data were analyzed with Delphi technique in SPSS software and quantitative data were analyzed with structural equation modeling technique and exploratory and confirmatory factor analysis tests, Friedman, Spearman and single sample T in Smart PLS software. The results of the qualitative part indicated that the final model has 6 dimensions, 25 components and 108 indicators as "social management", "cultural management", "economic management", "strategic management", "educational management" and "political management". The results of the quantitative part showed that all dimensions and components of the research model were confirmed.

**Keywords:** Privatization, social welfare, equity.

---

<sup>۱</sup>PhD Student of Adaptive and Development Management, Department of Public Management, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran. Email Address: Sina.soltani.m@gmail.com.

<sup>۲</sup>Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Management, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran. Email Address: Uni.rostami@gmail.com.

<sup>۳</sup>Professor, Department of Industrial Management, Management and Accounting Faculty, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email Address: A-tabriz@sbu.ac.ir.